سرقت چمدان‌های ۳۰ میلیارد تومانی با تاکسی اینترنتی

پنج عضو یک خانواده که با دستبرد به یکی از برج‌های الهیه تهران، دو چمدان حاوی ۳۰ میلیارد تومان پول و طلا را سرقت کرده بودند، دو ساعت پس از حادثه بازداشت شدند.

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چند روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید سرقت مسلحانه در یکی از برج‌های لاکچری محله الهیه تهران رقم خورده است. با حضور پلیس معلوم شد سارقان سه مرد و دو زن بودند که پس از ورود به برج ابتدا با تهدید اسلحه دست و پای نگهبان و سرایدار را بسته و سپس خود را به طبقه هشتم برج رسانده و با سرقت دو چمدان حاوی دلار و طلا گریخته‌اند. تحقیقات میدانی کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی در محل نشان داد هنگام سرقت ساکنان آپارتمان در خانه حضور نداشتند.

در حالی که ارزش اموال سرقت شده ۳۰ میلیارد تومان اعلام شده بود، تحقیقات در این باره ادامه پیدا کرد. بررسی‌های بیشتر نشان داد سارقان با تاکسی اینترنتی و موتورسیکلت در محل حاضر و بعد از سرقت هم به سرعت متواری شده‌اند. دو ساعت بعد از ارتکاب سرقت بود که مأموران پلیس موفق شدند مخفیگاه متهمان در جنوب شهر را شناسایی و آنها را بازداشت کنند. سردسته باند گفت: ما همه اعضای یک خانواده هستیم. من مدتی قبل در آن برج کار می‌کردم و آنجا بود که متوجه شدم یکی از ساکنان که در طبقه هشتم ساکن است ثروت زیادی در خانه نگه می‌دارد، برای همین تصمیم به سرقت از آنجا گرفتم. مدتی که گذشت ماجرا را با چند نفر از اعضای خانواده‌ام مطرح و سناریوی سرقت را طراحی کردم. ابتدا از محل کارم استعفا دادم تا اینکه در فرصت مناسب نقشه را اجرا کردیم. فکرش را هم نمی‌کردم که به این سرعت بازداشت شویم. مأموران پلیس همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهمان موفق شدند دو چمدان پول و دلار را کشف کنند. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از اعضای این باند در جریان است.

مرگ مشکوک زن جوان پس از عمل زیبایی

عمل زیبایی، جان زنی جوان را گرفت که می‌خواست به وزن ایده‌آلش برسد. اولیای دم از پزشک معالج و مسئولان کلینیک زیبایی به اتهام مرگ مرموز فرزندشان شکایت کردند.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل مأموران پلیس تهران به قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند زنی جوان حین عمل زیبایی به طرز مشکوکی در کلینیک درمانی به کام مرگ رفته‌است.

با اعلام این خبر بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شدند.

شوهر زن جوان گفت: «همسرم اضافه وزن داشت و مدتی قبل تصمیم گرفت وزنش را به ایده‌آل برساند. او مدتی رژیم غذایی گرفت و ورزش کرد، اما وزن زیادی کم نکرد.

او از وضعیت جسمی‌اش ناراضی بود و به دنبال راهی بود تا وزنش را به هر طریقی شده کم کند. چند روز قبل از حادثه یکی از دوستانش پیشنهاد داد عمل ساکشن انجام دهد و از آن روز به بعد همسرم در فضای مجازی دنبال کلینیک زیبایی می‌گشت تا عمل ساکشن انجام دهد. به هر حال او با مدیر کلینیکی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران ارتباط برقرار کرد و مدیر آنجا هم قول داد عمل ساکشن را بدون عوارض انجام دهد. قبل از عمل پزشک کلینیک همسرم را به آزمایشگاهی معرفی کرد و همسرم چند آزمایش داد و پزشک هم پس از دیدن آزمایش‌ها گفت که مشکلی برای عمل ساکشن ندارد. من و همسرم برای عمل به کلینیک رفتیم و قرار بود عمل ساکشن دو ساعت طول بکشد، اما پس از گذشت حدود پنج ساعت دیدم پرستاران و کادر پزشکی هراسان از اتاق عمل بیرون می‌آیند و با هم صحبت می‌کنند و در نهایت هم اعلام کردند همسرم حین عمل ساکشن فوت کرده‌است. تیم پزشکی با سهل‌انگاری تنها فرزندم را یتیم و بی‌مادر کردند و من از پزشک معالج و مسئولان کلینیک که باعث مرگ همسرم شده‌اند، شکایت دارم.»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، پرونده به دستور بازپرس جنایی برای رسیدگی در اختیار مقام قضایی دادسرای جرائم پزشکی قرار گرفت.

متهم: انگیزه‌مان قتل نبود، سرقت بود

■ محبوبه قربانی

وسوسه سرقت از خانه مرد رمال به حادثه خونینی ختم شد و عاملان حادثه روز گذشته پای میز محاکمه حاضر شدند. متهم اصلی که از دوستان مقتول است، به دادگاه گفت حادثه ناخواسته رقم خورده و انگیزه او و دوستانش فقط سرقت بوده است.

اواخر پاییز سال گذشته مردی، مأموران پلیس تهران را از ناپدید شدن دوستش رامین باخبر کرد. او در توضیح ماجرا گفت: «رامین از دوستان قدیمی من است. او سال‌ها دور از خانواده‌اش در خانه مجردی تنها زندگی می‌کند. رامین، معلول است و روی ویلچر می‌نشیند، به همین خاطر هرازگاهی به او سر می‌زدم و با هم در تماس بودیم، اما چند روزی است از او بی‌خبرم و هرچه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم، خاموش است. نگرانم و از پلیس کمک می‌خواهم.»

بعد از این تماس، مأموران به آدرس خانه رامین رفتند که در جنوب شهر بود، اما هرچه در زدند کسی در را باز نکرد. همسایه‌ها هم به مأموران گفتند چند روزی است مرد معلول از خانه خارج نشده است. به این ترتیب مأموران قفل در خانه رامین را شکستند، اما وقتی وارد خانه شدند جسد او را دیدند که دستمالی دور دهانش بسته و روی ویلچر افتاده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز شد و روند تحقیقات نشان داد احتمالاً قتل از سوی فرد یا افرادی آشنا اتفاق افتاده است. به این ترتیب دوست مقتول به نام پیام که با مأموران تماس گرفته بود مورد تحقیق قرار گرفت، اما مدعی شد از نقشه قتل اطلاعی ندارد.

تلاش‌ها ادامه داشت تا اینکه با بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه مقتول معلوم شد پیام آخرین نفری بوده که با او تماس گرفته است. با به دست آمدن این سرنخ، مرد جوان به عنوان اولین مظنون به قتل بازداشت شد. او سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در روند بازجویی‌ها بالاخره به جرمش اعتراف کرد و گفت: «سال‌ها بود که رامین را می‌شناختم و به‌خاطر اینکه معلول بود و کسی را نداشت به او سر می‌زدم تا اگر کاری دارد برایش انجام دهم. مدتی بود به مشکل مالی خورده بودم و نیاز به پول داشتم تا اینکه در رفت و آمد به خانه پیام فهمیدم او پول زیادی در خانه نگه می‌دارد. همین موضوع مرا وسوسه کرد و نقشه سرقت از خانه او به سرم زد تا روز حادثه همراه دو نفر از دوستانم به خانه رامین رفتیم و برای انجام نقشه دست، پا و دهن او را بستیم، اما ناخواسته منجر به مرگش شدیم.»

با اقرارهای متهم و دستگیری دوستان او، پرونده کامل و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اولین جلسه محاکمه در شعبه دهم دادگاه تشکیل شد. با اعلام رسمیت جلسه از سوی ریاست دادگاه، از آنجایی که اولیای دم مقتول شناسایی نشده بودند، رئیس قوه قضائیه درخواست قصاص کرد. در ادامه متهم به جایگاه رفت، اما مدعی شد قتل عمدی نبوده است. او در شرح ماجرا گفت: «رامین رمال بود و درآمد زیادی داشت. از طرفی کسی را نداشت و تنها زندگی می‌کرد، به همین خاطر به او سر می‌زدم. چند باری که با هم صحبت کرده بودیم متوجه شدم او پول زیادی در خانه نگه می‌دارد، به همین خاطر تصمیم گرفتم از خانه‌اش سرقت کنم.» متهم در ادامه گفت: «برای انجام نقشه با دو نفر از دوستانم صحبت کردم و خواستم همراهم شوند. آنها قبول کردند و روز حادثه سه نفری به خانه رامین رفتیم. او معلول بود و روی ویلچر می‌نشست. من و دوستانم وقتی او را دیدیم به طرفش رفتیم، من دهانش را با دستمال بستم. سپس با همدستی دوستانم دست‌های او را بستیم. رامین دیگر نمی‌توانست فریاد بزند و تقلا کند، به همین خاطر همه جای خانه را به خوبی گشتیم، اما از شانس بد تنها یک میلیون تومان پول پیدا کردیم، آن را برداشتیم و بلافاصله خانه را ترک کردیم.» متهم در ادامه گفت: «فردای آن روز به طرف خانه رامین رفتم که از همسایه شنیدم از او خبری نیست. احتمال دادم فوت کرده است، به همین دلیل با پلیس تماس گرفتم و اعلام مفقودی کردم. باور کنید قصد قتل نداشتم. فقط می‌خواستم دهانش را ببندم تا با داد و فریاد او، همسایه‌ها باخبر نشوند.»

در ادامه دوستان متهم نیز یک به یک به جایگاه رفتند و اتهام معاونت در قتل را انکار کردند. سپس یکی از آنها گفت: «من و دوستم معتاد بودیم، به همین خاطر وقتی پیام این پیشنهاد را مطرح کرد قبول کردیم، چون درآمد خوبی نداشتیم و تهیه مواد برایمان مشکل بود. باور کنید من و دوستم دهان مرد معلول را نبستیم و این پیام بود که به تنهایی با دستمال دهان او را بست. ما فقط دست‌هایش را بستیم.»

در پایان هیئت قضای جهت صدور رأی وارد شور شد.

فروش دسته‌چک‌های سرقتی در سایت‌های مجازی

■ غلامرضا مسکنی

مأموران پلیس، زن جوانی را به اتهام فروش دسته‌چک‌های سرقتی در فضای مجازی دستگیر کردند که کلکسیونی از جرائم در پرونده‌اش ثبت است. متهم مدعی است به خاطر ازدواج اجباری با مرد قاچاق‌فروش در دوران نوجوانی جیب‌بری‌های سریالی‌اش را شروع کرده بود.

مهرماه امسال مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از زن کلاهبرداری به اتهام فروش دسته‌چک جعلی شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «چند روز قبل می‌خواستم خودروی اقساطی بخرم و نیاز به تعدادی چک داشتم تا به فروشنده خودرو بدهم. از تعدادی دوستان و بستگانم خواستم به من چک بدهند، اما هیچ کدام دسته چک نداشتند و بعضی هم تعداد برگ‌های چکشان کم بود. در این چند روز به دنبال چند برگ چک بودم تا اینکه یکی از دوستانم گفت افرادی هستند در سایت دیوار و فضای مجازی دسته‌چک می‌فروشند. در فضای مجازی و سایت دیوار به جست‌وجو پرداختم و در نهایت هم با چند آگهی روبه‌رو شدم که به صورت تک‌برگ و همچنین در دسته‌های ۱۰ تا ۵۰ برگی آگهی فروش داده بودند. همه نوشته بودند دسته‌چک‌ها تضمینی است و حاضرند به افرادی بفروشند که برای ضمانت یا خرید اقساطی نیاز به چک دارند. یکی از فروشندگانی که من با او تماس گرفتم، زن جوانی بود و وقتی درخواستم را گفتم، به من قول داد در کوتاه‌ترین زمان ممکن برایم دسته‌چک فراهم کند. او یک روز بعد تماس گرفت و گفت دسته‌چک آماده است و از من آدرس خواست و با یک پیک دسته‌چک را امضا شده برایم فرستاد و من هم هزینه‌اش را که مبلغ ۱۵ میلیون تومان بود به پیک دادم و دسته‌چک را تحویل گرفتم، اما وقتی دسته‌چک را به نمایشگاه خودرو بردم و آنها از بانک استعلام گرفتند متوجه شدم دسته‌چک سرقتی است و زن جوان از من کلاهبرداری کرده است.»

با طرح این شکایت، قاضی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت پرونده را برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار داد. مأموران در نخستین گام با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که همه شاکیان مدعی بودند دسته‌چک‌هایی را از زن جوانی خریده‌اند که در فضای مجازی آگهی فروش داده بود. بررسی‌ها نشان داد تمامی دسته‌چک‌ها سرقتی بوده و سارقان هنگام سرقت منازل یا سرقت لوازم داخل خودرو و کیف‌قاپی آن را به دست آورده و بعد در فضای مجازی برای فروش آگهی داده‌اند. همچنین مشخص شد تعدادی از دسته‌چک‌ها هم متعلق به افرادی است که فوت کرده‌اند، اما خانواده‌هایشان دسته‌چک‌های آنها را باطل نکرده‌اند.

■ **دام مأموران**

درحالی که هر روز بر تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مأموران پلیس به یکی از شاکیان آموزش داد تا برای خرید دسته‌چک با فروشنده قرار صوری بگذارد. بدین ترتیب متهم به دام پلیس افتاد. متهم پس از انتقال به اداره پلیس به فروش دسته‌چک‌های سرقتی با همدستی زن و شوهر سابقه‌داری اعتراف کرد. همزمان با تحقیقات از متهم، مأموران در تلاشند دو همدست او را بازداشت کنند.

■ **گفت‌وگو با متهم**

مهستی سابقه‌داری؟

بله، سابقه زیاد دارم و از دوران نوجوانی پایم به زندان باز شد و الان هم که ادامه دارد. البته ابتدا جیب‌بری می‌کردم، اما چند ماه قبل شیوه سرقتم را تغییر دادم.

چی شد که از دوران نوجوانی تصمیم گرفتی جیب‌بری کنی؟

از بدبختی و بی‌پولی. ۱۷ سالم بود که خانواده‌ام به زور مرا پای سفره عقد نشاندند و با مردی ازدواج کردم که خیلی زود فهمیدم معتاد و قاچاق‌فروش است. دو سالی از زندگی ما گذشته بود که شوهرم به اتهام نگهداری مواد مخدر به زندان افتاد و قاضی هم او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد. زندگی‌ام تباه شده بود، به همین دلیل غیابی طلاق گرفتم، اما جایی را برای زندگی نداشتم، چون خانواده‌ام وضع مالی خوبی نداشتند و نمی‌توانستم پیش آنها برگردم. به همین دلیل در پارک و خیابان گل‌فروشی و گدایی می‌کردم و فال می‌گرفتم تا اینکه با مردی آشنا شدم. او گفت کار نان و آب‌داری برای من سراغ دارد و بعد فهمیدم چند زن جوان برای او جیب‌بری می‌کنند. او رئیس باند است. آنها به من آموزش جیب‌بری دادند و من هم سرقت‌هایم را آغاز کردم، اما در سومین جیب‌بری، چون حرفه‌ای نبودم، دستم لرزید و به دام افتادم.

چرا از جیب‌بری به فروش دسته‌چک سرقتی رو آوردی؟

من کلکسیونی از جرائم در پرونده‌ام ثبت شده است. مدتی با باند جیب‌برها کار کردم، اما بعد تصمیم گرفتم برای خودم کار کنم و آنچه سرقت می‌کنم برای خودم بماند. چند باری به جرم جیب‌بری و سرقت‌های دیگر به زندان افتادم و آخرین بار دو سال قبل وقتی دستگیر شدم با زن جوانی هم‌سلول شدم که به اتهام سرقت منزل و لوازم داخل خودرو همراه شوهرش دستگیر شده بود. او گفت قرار است با شوهرش شیوه سرقت‌شان را تغییر دهند. هم‌سلولی‌ام گفت او و شوهرش از سرقت منزل و لوازم داخل خودرو خسته شده‌اند و می‌خواهند پس از آزادی این‌بار دسته‌چک‌های سرقتی بفروشند. او به من پیشنهاد داد با آنها همکاری کنم و من هم قبول کردم.

از کی آغاز کردید؟

من و هم‌سلولی‌ام تابستان امسال آزاد شدیم و مدتی بعد هم شوهرش از زندان آزاد شد. شوهرش حرفه‌ای بود و دسته‌چک‌های سرقتی را از سارقان منزل، کیف‌قاپان و سارقان لوازم داخل خودرو که دوستانش بودند به قیمت پایینی می‌خرید و من و همسرش از اواخر تابستان شروع به فروش دسته‌چک‌ها کردیم.

آنها را به چه قیمتی می‌فروختید؟

بستگی به خریدار داشت و اینکه چه تعداد برگ چک نیاز داشت. معمولاً از یک میلیون تا ۷۰ میلیون تومان دسته‌چک سرقتی فروختم.

یادداشت

نقش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌های فضای مجازی

■ **سرهنگ امیرهوشنگ حیدریان***

فضای مجازی در واقع یک تیغ دو لبه است که می‌تواند مضر یا مفید عمل کند، بهترین راه برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی به‌کارگیری تکنیک‌های مؤثر و آموزش سواد رسانه‌ای به اعضای خانواده است.

رشد چشمگیر دانش و فناوری‌های نوین، همراه با تغییرات بنیادین در نظام بین‌المللی، چهره جهان کنونی را به کلی متفاوت از گذشته کرده است. توأم‌شدن این تغییرات با تحولات فرهنگی و اجتماعی، جوامع بشری را به نسبت‌های مختلف با چالش‌های اساسی در حوزه‌های مختلف روبه‌رو کرده و زمینه‌ساز بروز بحران در تبیین شرایط زندگی و سازگاری انسان‌ها با آنها شده‌است، از مهم‌ترین چالش‌ها در جهان امروز، اینترنت و فضای مجازی است.

خانواده به عنوان نهادی مقدس و اصلی‌ترین پایه زندگی اجتماعی، در جهان امروز دستخوش تغییراتی شده‌است. بقا و دوام جامعه انسانی، به دوام خانواده بستگی دارد و صلاح و فساد فرد و اجتماع نیز در گروی صلاح و فساد خانواده است.

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی که یک انسان در آن حضور می‌یابد، تأثیرات بسیار گسترده‌ای بر سطح رشد و سلامت روان افراد دارد. خانواده را می‌توان پایگاهی برای آموزش و پرورش اولیه افراد پیش از ورود به جامعه و نقش‌آفرینی در زمینه‌های مختلف اجتماعی دانست. اگر رشد و تربیت فرد در خانواده‌ای سالم به لحاظ ساختار روانی و عاطفی صورت گرفته باشد، مسیر برای رشد و شکوفایی او در سایر نقش‌هایی که در جامعه و در حیات آینده خود به عهده می‌گیرد تا حد بسیار زیادی هموار شده‌است.

در نتیجه یکی از معیارهای خانواده منسجم، وجود پیوند عاطفی بین اعضای آن است. البته عوامل گوناگونی به این پیوند آسیب می‌رساند و هنجارهای اصیل خانواده را تهدید می‌کند.

یکی از عوامل تهدیدکننده بنیان خانواده، استفاده نادرست از رسانه‌های جمعی به ویژه برنامه‌های نامناسب موجود در فضای مجازی است که موجب اختلال در بنیان خانواده‌ها می‌شود.

در عصر حاضر کمتر فردی را پیدا می‌کنید که در فضای مجازی حضور فعال نداشته باشد. فضای مجازی نقش مهمی را در زندگی انسان ایفا می‌کند. گرچه این فضا تأثیرات مثبتی بر عملکرد افراد گذاشته‌است، اما آسیب‌های نوظهوری را هم ایجاد کرده‌است که کارکرد خانواده را مختل می‌کند.

فضای مجازی در جایگاه یک رسانه و عضو جدایی‌ناپذیر خانواده‌ها، از نظر اخلاقی دارای کارکردی دوگانه است و بر اساس قوت و ضعف آگاهی اعضای خانواده در استفاده از آن می‌تواند بستر شکل‌گیری فضایل و رذایل اخلاقی شود.

امروزه خانواده ایرانی در سبد فرهنگی خود در مواجهه با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های مدرن است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف قرار گرفته‌اند. در نتیجه بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده‌اند. فضای مجازی در واقع یک تیغ دو لبه است که می‌تواند مضر یا مفید عمل کند. بهترین راه برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی به‌کارگیری تکنیک‌های مؤثر و آموزش سواد رسانه‌ای به اعضای خانواده است.

سواد رسانه‌ای به دنبال آن است تا به فرد توانایی لازم را برای استفاده از رسانه‌ها آموزش دهد به طوری که فرد بتواند ضمن درک و تحلیل و ارزیابی پیام‌های رسانه‌های مختلف، پیام‌ها و برنامه‌های مثبت، مفید و سازنده را از پیام‌های منفی و بی‌محتوا تشخیص دهد. یعنی فرد آگاهانه در برابر رسانه‌ها قرار گیرد و توانایی دسترسی به پیام‌های مورد نظر خود را از میان انبوه پیام، تجزیه و تحلیل انتقادی، ارزیابی و ارسال پیام‌ها در انواع مختلف پیدا کند. اهمیت آگاهی خانواده‌ها درباره شیوه درست استفاده از فضای مجازی به منزله یک رسانه، از یک‌سو، ناظر به ضرورت حفظ امنیت اخلاقی خانواده است. بنیادی‌ترین کانون شکل‌گیری زندگی فردی و اجتماعی انسان است و از سوی دیگر، بر نقش بی‌بدیل اخلاق در حفظ سلامت و سعادت جامعه تأکید دارد.

شناخت پیامدهای اخلاقی ضعف سواد رسانه هم موجب بهره‌گیری از مزایای انکار ناشدنی و پرشمار فضای مجازی در محیط خانواده می‌شود و هم خانواده را از پیامدها و مشکلات اخلاقی زیادی که در این فضا یا به واسطه این فضا ممکن است دامنگیر خانواده شود، مصون می‌دارد. انسان موجودی ذاتاً اجتماعی است این یعنی از همان ابتدای تولد تمایل دارد میان جمع قرار بگیرد و از تنهایی دوری کند. متأسفانه فضای مجازی با اجتماع غیرحقیقی که ایجاد می‌کند، می‌تواند تنهایی کاذب را وارد زندگی انسان کند و به طور جدی بر سبک زندگی اخلاقی خانواده‌ها تأثیرات مثبت و منفی خود را به جا می‌گذارد.

باید برای افزایش سطح سواد خانواده‌ها در استفاده درست از فضای مجازی و کمک به آنان برای حضور اخلاقی در این فضا و در امان ماندن از پیامدهای غیراخلاقی آن چاره‌اندیشی شود. این نکته‌ای است که عقل و نقل بر آن صحه می‌گذارند. بنابراین با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی از عرصه‌هایی است که در آن هم می‌توان به اوامر خداوند عمل کرد هم آنها را نقض کرد، بر والدین لازم است شیوه استفاده درست از این فضا را بیاموزند و به فرزندان خود نیز یاد بدهند. باید توجه داشت که راه مبارزه با رفتارهای غیراخلاقی و آسیب‌های متعدد آن، دوری از فضای مجازی و اینترنت نیست، بلکه باید با ارتقای سواد استفاده از فضای مجازی از بروز این‌گونه مشکلات جلوگیری کرد.

***معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کردستان**

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محمدابراهیم میرعابدینی به شماره شناسنامه ۹ و به شماره ملی ۲۲۴۹۷۴۵۷۸۱ صادره از کردکوی فرزند محمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۰۹ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۳٫۳۸ مترمربع از پلاک ۳۸۶۶ فرعی از ۱۰۷ اصلی واقع در اراضی خارج از مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رأی صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رأی صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

حجت‌الله تجری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ گرگان

مفقودی

برگ کمپانی خودرو پژو هاچ‌بک TU۳ ۲۰۶ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید و شماره پلاک ایران ۶۸- ۳۳۹ب ۹۵ و شماره موتور ۱۸۲A۰۱۲۴۰۲۳ و شماره شاسی NAAP۰۳EEXLJ۱۷۷۲۸۰ متعلق به صفرعلی آقاسی با کد ملی ۳۹۹۰۵۲۶۳۶۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و بنچاق خودرو لیفان X۶۰ مدل ۱۳۹۴ به رنگ خاکستری متالیک و شماره پلاک ایران ۶۸- ۶۸۹ی ۲۹ و شماره موتور LFB۴۷۹Q۱۴۱۰۰۳۶۶۸ و شماره شاسی NAKSG۴۳۱XFB۱۲۸۸۰۵ متعلق به محمد تارخ‌منشی با کد ملی ۴۱۳۳۲۲۸۲۶۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۵۸

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶